

فیش منبر روشمند

فاطمیه ۹۸

# خانواده فاطمی

سلام الله علیها

۵ جلد

دریافت از کانال  
فیش منبر در پیامرسان ایتا





## منبر فاطمیه (جلسه سوم)



کانال فیش منبر و مرثیه درایتا

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

موضوع: فیش منبر فاطمیه

عنوان: خانواده فاطمی

صاحب امتیاز: گروه تبلیغی پژوهشی مهاجر

نام نویسندگان: گروه کانال فیش منبر و مرثیه

طراحی صفحه: گروه گرافیک مهاجر

نوبت نشر: اول

تیراژ: ۰۰۰۰

سال نشر: ۱۳۹۸

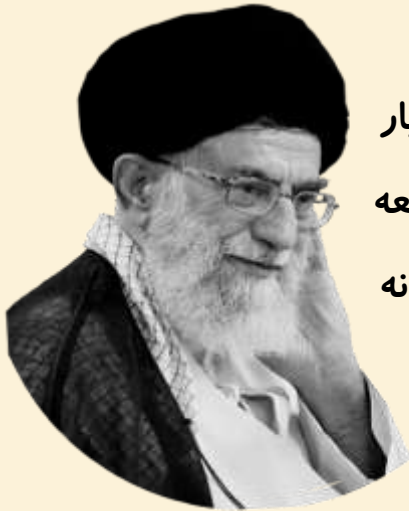
تعداد صفحه: ۴۷ صفحه جلسه سوم فیش منبر خانواده فاطمی

قیمت:

(خواننده موظف است یک مبلغ دلخواه به فقیر دلخواه کمک کند.)

فصل: زمستان

## اهمیت بحث خانواده



مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت می

کند؛ یا اگر نا سالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد.

موضوع کلی : خانواده فاطمی

نقشه ی کلی این سخنرانی در ۵ جلسه

جلسه اول :

ضرورت و اهمیت کانون خانواده با توجه به آیات و روایات

چرایی مهم بودن خانه و خانواده و بیان پنج دلیل :

۱- خانه و خانواده محل تسکین

۲- خانه و خانواده محل ذکر و تلاوت آیات الهی

۳- خانه و خانواده محل رابطه ی قدسی

۴- لزوم و اهمیت حفظ حریم خانه

۵- خانه و خانواده محل تربیت فرزند

چهار گونه خانواده در قرآن

تشبیه زن و شوهر به لباس یکدیگر در قرآن (بیان ۱۶ وجه تشبیه)

## جلسه دوم :

چرا خانواده ی ما مثل خانواده ی فاطمی نیست ؟ یا با آن فاصله دارد؟

۱- خواسته های مادی فراوان و نبود قناعت در زندگی

۲- نبود ایثار در همسر داری

۳- عدم تقسیم کار در زندگی

۴- نبودن نشاط در زندگی

## جلسه سوم :

چرا خانواده ی ما مثل خانواده ی فاطمی نیست ؟ یا با آن فاصله دارد؟

۵- چون زن و شوهر و در تبعیت آنها فرزندان خود محورند تا خدا

محور

۶- چون علم و آگاهی نسبت به حقوق همدیگه ندارند (از همدیگه

طلبکارند)

## جلسه چهارم :

آثار و پیامدهای خانواده فاطمی چیست؟ (یعنی اگر خانواده ما فاطمی شد چه چیزهای نصیب ما میشه و اگر خانواده ما الهی نشد چه از دست می دهیم ؟) بشارتها و انذارها

۱- خانواده سالم = فرزندان صالح (تربیت فرزند صالح)

۲- عاقبت بخیری زن و شوهر و اهل خانه

۳- آرامش در زندگی

۴- کمتر شدن آسیب های اجتماعی

## جلسه پنجم :

راهکارها و اصول رسیدن به خانواده فاطمی چیست؟؟

بررسی بیست اصل در زندگی فاطمی و علوی

۱- اصل مشارکت در امور زندگی

۲- اصل ارزشی بودن و معنویت در ازدواج

۳- اصل تربیت در خانه و خانواده

۴- اصل میهمان دوستی و ضیافت در خانه



۵- اصل ایثار و انفاق خانوادگی

۶- اصل استعانت از معنویت در حل مشکلات

۷- اصل ایجاد کار و عدم بیکاری

۸- اصل تقسیم کار خانه

۹- اصل احترام متقابل اعضاء به یکدیگر

۱۰- اصل مشورت بر زندگی

۱۱- اصل فرمان پذیری زن از شوهر

۱۲- اصل آرایش و زینت برای همسر

۱۳- اصل عبادت در خانه

۱۴- اصل جهادی بودن در خانواده

۱۵- اصل ارتباط خانه و خانواده با مسجد

۱۶- اصل اهمیت علم آموزی در خانواده

۱۷- اصل صبر در همه اعضاء خانواده

۱۸- اصل شجاعت و دلیری همه اعضاء

۱۹- اصل عشق و عاطفه و مهربانی همه اعضاء به یکدیگر

۲۰- اصل نظم و انضباط حضرت فاطمه و خاندان او



## Contents

- جلسه سوم : ..... ۱۱
- چرا خانواده ی ما مثل خانواده ی فاطمی نیست ؟ یا با آن فاصله دارد؟ ..... ۱۱
- خطبه ابتدای منبر..... ۱۱
- ۵-خود محوری به جای خدا محوری ..... ۱۲
- خدا محوری در زندگانی حضرت زهرا(س) ..... ۱۲
- خدا محوری در دعای حضرت فاطمه سلام الله علیها ..... ۱۶
- خدا محوری در هنگام ازدواج حضرت فاطمه سلام الله علیها ..... ۱۶
- خدا محوری در مادری حضرت فاطمه سلام الله علیها ..... ۲۰
- هفت عامل گمراهی و ضلالت در قرآن کریم ..... ۲۲
- مبارزه با هوای نفس در خانه ..... ۲۹
- ماجرای اصمعی و زن جوان ..... ۳۱
- ۶-عدم آگاهی به حقوق یکدیگر عدم انجام به وظایف زناشویی ..... ۳۳
- وظایف مردان نسبت به زنان ..... ۳۵

- ۱- پرداخت مهریه و نفقه: ..... ۳۶
- ۲- برخورد مناسب و شایسته ..... ۳۶
- ۳- تلاش برای خانواده: ..... ۳۷
- ۴- نیکی به همسر و فرزندان باعث طول عمر ..... ۳۷
- ۵- مسئولیت مردان نسبت به خانواده: ..... ۳۸
- وظایف زنان نسبت به مردان: ..... ۳۸
- ۱- تکریم همسر: ..... ۳۸
- ۲- قناعت و قانع بودن: ..... ۳۹
- ۳- پذیرش مدیریت مرد: ..... ۳۹
- ۴- آرامش خانواده: ..... ۴۰
- ۵- امانتداری: ..... ۴۰
- گریز به روضه: ..... ۴۱
- پی نوشت و منابع: ..... ۴۴

چرا خانواده ی ما مثل خانواده ی فاطمی نیست ؟ یا با آن فاصله دارد؟

## خطبه ابتدای منبر

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَارِءِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعَثِ الْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ  
ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ  
(ص) وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاهِ  
الْمَهْدِيِّينَ وَاللَّعْنُ الدَائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ  
الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

مبحث ما در مورد خانواده فاطمی بود در دوجلسه ی قبل در مورد  
ضرورت و اهمیت خانواده صحبت کردیم و بیان کردیم به چند دلیل  
خانواده ی ما یا فاطمی نیست یا از خانواده فاطمی فاصله دارد البته برخی  
الحمدلله خانواده و زندگیشون رنگ و بوی خدا می دهد.

چهار دلیل ذکر کردیم و به فضل الهی در این جلسه هم به دو دلیل  
دیگه متذکر می شیم

چرا خانواده ما فاطمی نیست و یا از خانواده فاطمی فاصله دارد ؟

## ۵- خود محوری به جای خدا محوری

یکی از دلایل عمده ی دیگر وجود منیت و خود محوری به جای خدا محوری است که فاصله ی ما را با خانواده ی فاطمی زیاد کرده است ، در حالی که در زندگی اهل بیت علیهم السلام یک محور بیشتر وجود ندارد و آن خداست ، و خود محوری جایی ندارد.

## خدا محوری در زندگانی حضرت زهرا(س)

\* چگونه می توانیم معیار زندگی مان را منطبق بر معیار حضرت زهرا(س) کنیم؟

حضرت زهرا(س) اهل دنیا نبودند و معیارهای الهی سرتاسر زندگی کوتاه مدت اما پر خیر و برکت ایشان را فرا گرفته بود. روایت جالبی از ایشان داریم که فرمود: سه چیز را از دنیای شما دوست دارم، نظر به چهره رسول خدا(س)، تلاوت قرآن و انفاق در راه خدا؛ تلاوت قرآن را تا حدی دوست داشتند که حتی در وصیت خود به امیرالمؤمنین فرمودند پس از مرگشان بر سر مزارشان قرآن بخواند.

دومین مورد نظر به چهره پیامبر(ص) بود. نکته قابل توجه در این بخش اینجاست که نفرمود نظر به چهره پدرم بلکه فرمودند "نظر به چهره رسول الله(ص) را دوست دارم". این پیام را به ما می دهد که حضرت زهرا(س) پیامبر(ص) را به دلیل خلافت الهی ایشان تکریم می کنند، یعنی حضرت زهرا(س) در اوج توحید هستند و از هرگونه شرک و شخص محوری دوری می کنند، از این رو در ایشان هیچ گونه شرکی وجود ندارد، حتی روایت داریم نظر به در خانه عالم ثواب دارد، زیرا انسان را یاد خدا می اندازد. خدامحوری در سیره اهل بیت عصمت و طهارت(ع) موج می زند، بنابراین عشق و محبت آن ها نسبت به یکدیگر به خاطر خداوند است.

سومین موردی که حضرت به آن اشاره کردند، انفاق در راه خداست. در این مورد هم می بینیم خداوند محور رفتار است. در سوره انسان که در شأن پنج تن آل عبا به خصوص امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) نازل شده است، داستانی را می خوانیم که این بزرگواران غذای خود را در سه شبانه روز به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می کنند. خداوند در آیه ۸ این سوره می فرماید: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» و طعام را در حالی که خود دوستش دارند به مسکین و یتیم و

اسیر می‌خورانند». ماجرا از این قرار بود که امام حسن مجتبی و امام حسین(ع) در ایام کودکی بیمار شدند و پیامبر اکرم(ص) به همراه برخی از صحابه از آنان عیادت کردند. سپس پیامبر(ص) به امیرالمؤمنین(ع) فرمود: اگر برای بهبودی آنان نذری کنی، امید است خداوند سبحان زودتر شفا عنایت کند. حضرت علی(ع) فرمود: ای رسول خدا، برای شفای آنان دو نذر می‌کنم که سه روز روزه شکر به جای آورم. حضرت فاطمه زهرا(س) و خدمتکارش فضه نیز به مانند حضرت علی علیه السلام نذر کردند. چند روز بعد حسنین(ع) شفا یافتند، به این دلیل اهل منزل روزه گرفتند. اما سه شبانه روز هنگام افطاری مسکین و یتیم و اسیر به درب منزل آمدند و طلب غذا کردند. این بزرگواران غذای خود را به این سه فرد انفاق کردند. خداوند نیز به این بهانه سوره‌ای در شأن آل‌عبا(ع) نازل کرد.

نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنیم اینجاست: خداوند در آیه بعد از زبان ایشان می‌فرماید: «إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَأَنْزِلِدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَاشْكُورًا؛ جز این نیست که شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و از شما نه پاداشی می‌خواهیم نه سپاسی.»، در واقع اهل بیت عصمت و طهارت(ع) همواره خداوند را مدنظر داشتند و کم‌ترین توقع را نسبت به انفاق و یا



خیرخواهی خود از دیگران نداشتند. برای ایشان خداوند و آخرت اهمیت داشت.

همچنین در سیره امام سجاد(ع) وارد است وقتی انفاق می کرد دست خود را می بوسید، گفتند "یا بن رسول الله، چرا دست خودت را می بوسی؟" می فرمودند "مگر نشنیدید جد بزرگوارمان پیامبر(ص) فرمود وقتی چیزی را در راه خدا انفاق می کنید پیش از آنکه به دست فقیر برسد به دست خدا رسیده، دستی که به دست خدا رسید بوسیدنی است".

ما در تمام مواردی که حضرت زهرا(س) اشاره داشتند، محوریت خدا را می بینیم: یعنی تلاوت کتاب **خدا**، نظر به چهره رسول **خدا** و انفاق در راه **خدا**. ما نیز باید این گونه رفتار کنیم و در کارهایمان خداوند را محور رفتارهای خویش قرار دهیم.

در همسرداری حضرت می بینیم هم حضرت صدیقه ی طاهره سلام الله علیها محوریت زندگیشون خداست و هم وجود مقدس امام علی علیه السلام، محوریت خداست و نه خودشان.



خانواده فاطمی

اگر زندگی ماها محوریتش خدا باشه و خودمون رو نبینیم زندگی شیرین میشه. چون محور یکی است و آن خداست. علت طلاق خود محور بودن زن و شوهره و خدا محور نبودن آنهاست

### خدا محوری در دعای حضرت فاطمه سلام الله علیها

در دعای حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از نماز ظهر می فرمایند

يَا رَبِّ لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِكَ تُثْلِجُ بِهَا صَدْرِي وَ تَسْرُّ بِهَا نَفْسِي وَ تَقَرُّ بِهَا عَيْنِي وَ يَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِي وَ يَسْفُرُ بِهَا لَوْنِي وَ يَطْمئنُّ بِهَا قَلْبِي وَ يَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِي يَغْبِطُنِي بِهَا مَنْ حَضَرَنِي مِنْ خَلْقِكَ وَ مَنْ سَمِعَ بِي مِنْ عِبَادِكَ

کانال فیش منبر در ایتا

خداوندا، احدی به جز تو سینه ام را خنک نمی کند و نفسم را مسرور نمی نماید و هیچ کس جز تو چشم مرا روشنی نمی دهد. بشارتی که قلبم را مطمئن کند، و جانم را خشنود سازد، و دیدگانم را نورانی کند، و چهره ام را مسرور سازد، و رنگ رخسارم را درخشندگی عطا کند و جانم را آرامش بخشد، مژده ای که تمام اعضای بدنم را آسوده کند به طوری که هر مخلوقی از مخلوقات که مرا می بیند، و هر بنده ای از بندگان که توصیف مرا می شنود بر آن غبطه خورد

### خدا محوری در هنگام ازدواج حضرت فاطمه سلام الله علیها

کانال جامع فیش منبر و مرثیه در ایتا : @fishemenbar

در کتاب الروضه، و فضائل ابن شاذان از سلمان فارسی روایت شده که گفت:

روزی من در حضور پیامبر اسلام صَلَّی اللّٰه علیه و آله و سلّم ایستاده بودم و آب به دستهای مبارک آن حضرت می‌ریختم حضرت فاطمه در حالی وارد شد که گریان بود. پیغمبر خدا صَلَّی اللّٰه علیه و آله و سلّم دست مبارک خود را روی سر فاطمه نهاد و فرمود: چه باعث گریه تو شده؟ خدا چشم تو را گریان نکند ای حوریه! گفت: من به گروهی از زنان قریش رسیدم، چشم آنان که به من افتاد راجع به پسر عمویم طعنه زدند. فرمود: چه سخنی از ایشان شنیدی؟ گفت: می‌گویند: ناگوار است که محمد صَلَّی اللّٰه علیه و آله و سلّم دختر خود را به مردی از قریش بدهد که فقیر است.

فرمود: دختر جان! من تو را شوهر ندادم، بلکه خدا تو را برای علی تزویج نموده است.

زیرا فلانی و فلانی خواستگار تو بودند و من در آن هنگام سکوت اختیار نمودم و امر ازدواج تو را به خداوند واگذار کردم، تا اینکه نماز صبح جمعه را خواندم و صدای ملائکه را شنیدم، ناگاه جبرئیل را با هفتاد هزار

خانواده فاطمی  
ملک از ملائکه دیدم که تاج به سر نهاده‌اند و گوشواره به گوش کرده‌اند و النگو به دست کرده‌اند. گفتم:

ای جبرئیل! این سر و صداها چیست که از آسمان می‌شنوم؟

گفت: یا محمد! خدای توانا توجّهی به زمین کرد و از میان مردان علی و از زنان فاطمه علیهما السّلام را برگزید. تو فاطمه را برای علی تزویج کن.

حضرت فاطمه علیها السّلام سر خود را به جانب آسمان بلند کرد و پس از گریستن تبسمی کرد و گفت: **رَضِيتُ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ** راضی شدم به رضای خدا و رسول او.

کانال فیش منبر در ایّتا  
رسول خدا فرمود: آیا می‌خواهی بیش از این راجع به مقام علی بگویم تا به وی رغبت پیدا کنی؟ گفت: آری.

فرمود: در روز قیامت جز چهار نفر کسی دیگر به صورت سواره محشور نمی‌شود:

۱- برادرم حضرت صالح که بر ناقه خود سوار است ۲- عمویم حمزه که بر ناقه عضباء سوار می‌شود ۳- من که بر براق سوارم ۴- شوهر تو علی بن ابی طالب که بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار خواهد شد.....

ای فاطمه! دوست داری بیشتر از این راجع به علی بگویم تا رغبت تو به وی بیشتر شود؟

گفت: آری.

فرمود: علی از هارون (جانشین حضرت موسی) پیش خدا عزیزتر است، زیرا هارون موسی را به غضب درآورد، اما علی بن ابی طالب هرگز مرا به غضب نیاورده است.

ای فاطمه! باز هم دوست داری که از مقام علی برای تو شرح دهم؟

گفت: آری، ای رسول خدا! فرمود: جبرئیل نازل شد و گفت: **يَا مُحَمَّدُ اقْرَأْ عَلِيًّا مِنَ السَّلَامِ فَقَامَتْ وَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَرْضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِكَ يَا أَبَتَاهُ نَبِيًّا وَبِابْنِ عَمِّي بَعْلًا وَوَلِيًّا**

ای محمد! از طرف سلام (خداوند) به علی سلام برسان. فاطمه از جای برخاست و گفت: راضی شدم که خداوند پروردگار من باشد و تو ای پدر جان، پیغمبر من باشی و پسر عمویم شوهر و ولی من باشد. ۱

در هنگام ازدواج ملاک حضرت فاطمه رضایت خداست و محوریت خدا. ای دختر و پسرهای جوان در هنگام ازدواج خدا رو در نظر بگیرید نه فقط پول و جمال رو

### خدا محوری در مادری حضرت فاطمه سلام الله علیها

فاطمه(س) عواطف مادری و محبت به فرزندان را نیز زیر مجموعه ی محبت و رضایت خداوند قرار می دهد، وقتی پیامبر(ص) او را از حوادث جانسوز کربلا و شهادت امام حسین(ع) با خبر می کند ایشان آیه ی استرجاع می خواند و می فرماید: **يَا أَبَتِ سَلِّمْتُ وَ رَضِيتُ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ (۲)** پدر جان، من تسلیم شدم و رضایت دادم و به خدا توکل می کنم.

مطلب دیگر این است که غالباً زنانی که از کانون خانواده و همسر و فرزندان خود راضی هستند، دلبستگی شدیدی به آن ها پیدا می کنند، ولی فاطمه(س) در طول زندگی خود با امیرالمؤمنین(ع) و داشتن فرزندانی همچون امام حسن و امام حسین ، با وجود تلاش برای گرمی



کانون خانواده، همواره در برابر پروردگارش خضوع و خشوع داشت:  
 رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَ بَكَاً يَّابِتَاهُ نَبِيًّا وَ بَابِنِ عَمِّيْ بَعْلًا وَ وَلِيًّا ؛ خشنودم که  
 خداوند پروردگار من است و تو ای پدر پیامبر من و پسرعمویم علی  
 شوهر و امام من است.  
 بینش الهی در نگرش به خانواده، از عوامل مهمی است که سبب عملکرد  
 و موفق زن یا مرد در عرصه ی خانواده می باشد. بینش ها، روش ها را  
 می آفرینند و نگاه مقدس به خانواده و این که فرد پیش از هر چیز تنها  
 خدا را در نظر بگیرد، موجب می شود سختی های زندگی و مشکلات  
 اجتماعی که هر خانواده ای کم و بیش به آن دچار می شود، بر او آسان  
 جلوه می کند.

مهم ترین باور دینی، ایمان به خدا و یکتاپرستی است. توحید و  
 خداپرستی موجب هدفمندی و معنی دار بودن نگرش انسان به زندگی،  
 می شود و رفتارها را در جهت تسلیم و رضای خداوند سوق می دهد.  
 همچنین فردی که خدا را ناظر بر رفتار خود می داند، در برخورد با  
 همسر و اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت خدا را در  
 نظر می گیرد و حق هیچ کس را پایمال نمی کند.  
 افرادی که از هوای نفس دور هستند، اخلاق شایسته و انجام وظایف  
 خانوادگی را، عبادت و کسب رضایت الهی می دانند در نتیجه زندگی  
 آن ها با صفا و صمیمیت تداوم دارد. بنابراین یک درس مهم از زندگی

خانواده فاطمی

فاطمه(س)، نگرش توحیدی به کانون خانواده است که آن را به استوارترین نهاد اجتماعی مبدل می کند. خود محوری در زندگی خیلی خطرناکه و بلکه هلاک کننده است وقتی انسان خود محور بود یعنی تبعیت از هوای نفس و هرکسی از هوای نفسش پیروی کند عاقبتش خوش نیست. یکی از عوامل گمراهی در قرآن کریم پیروی از هوای نفس و خود محوریت

## هفت عامل گمراهی و ضلالت در قرآن کریم

در قرآن، عوامل گمراهی و انحراف چنین معرفی شده‌اند:

۱. والدین گمراه. «أَنَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا ... وَأَنَا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف، ۲۳)، همانا ما والدین خود را بت پرست یافتیم و به آنان اقتدا کردیم.

۲. رفیق بد. «لَقَدْ اضْلَلْنِي عَنْ الذِّكْرِ»، دوست بد مرا گمراه کرد. (فرقان، ۲۹)

۳. دانشمندان منحرف. «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بَايْدِهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (بقره، ۷۹)، مطالبی را با دست خود می‌نویسند و می‌گویند این از طرف خداوند است.



۴. رهبران گمراه. «وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ» (طه، ۷۹). فرعون قوم خود را گمراه کرد.

۵. شیطان. «إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ» (قصص، ۲۵)، قطعاً شیطان گمراه کننده آشکاری است.

۶. اکثریت گمراه. «وَأَنْ تَطْعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (انعام، ۱۱۶)، اگر از اکثریت کسانی که در زمین هستند پیروی نمائی، تو را از راه خدا منحرف می کنند.

۷. هوا و هوس. «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص، ۲۶). از هوسهای خود پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می کند. خود محوری عامل گمراهی از راه خدا (پرتوی از نور استاد قرائتی، ص: ۲۰۵) امیرالمؤمنین(ع) در وصیت خود می فرماید: «ابتدا و آغاز گناهان تصدیق کردن نفس (یعنی نفس خود را تکذیب نکنیم و فکر کنیم نفس ما خوب است و خطری ندارد) و تمایل پیدا کردن و اعتماد به هوای نفس است؛ وَإِنَّ أَوَّلَ الْمَعَاصِي تَصْدِيقُ النَّفْسِ، وَالرُّكُونُ إِلَى الْهَوَى» (دعائم الاسلام/ ۲/ ۳۵۲) لازمه ترک این اولین گناه این است که ما ابتدا نفس را تکذیب کنیم یعنی با آن بد بشویم.

و چه زیبا بیان کرد حضرت امام راحل در دیوانش :

در دلم بود که آدم شوم؛ اما نشدم

بی خبر از همه عالم شوم؛ اما نشدم

هجرت از خویش کنم، خانه به محبوب دهم

تا به اسماء معلّم شوم؛ اما نشدم

فـارغ از خویشتن و واله رخسار حبیب

همچنان روح مجسم شوم؛ اما نشدم

سر و پا گوش شوم، پای به سر هوش شوم

کز دم گرم تو ملهم شوم؛ اما نشدم

خواستم بر کنم از کعبه دل، هر چه بت است

تا بر دوست مکرم شوم؛ اما نشدم

آرزوها همه در گور شد ای نفس خبیث

در دلم بود که آدم شوم؛ اما نشدم

منبع : دیوان امام خمینی (ره)

بنابراین اولین قدم ما تکذیب کردن نفس و دشمن گرفتن آن است. اما غیر از دشمن گرفتن نفس، باید به زشت بودن نفس هم توجه کنیم. نفس انسان یک موجود خبیث، کثیف، بی‌حیا و طغیانگر است. وقتی می‌گوییم نفس بد، منظورمان همان بخش پست نفس است که تمایل به دنیا دارد، و الا روح انسان مراتب بسیار زیبایی هم دارد که خداگونه است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «بدترین دشمن تو نفس توست که در درون توست؛ أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (مجموعه ورام/ ج ۱/ ص ۵۹) باید باور کنیم که نفس ما دشمنی است که می‌خواهد ما را ذلیل و نابود کند. نه تنها باید این نفس خطرناک را ارباب خودمان قرار ندهیم، بلکه حتی با او رفاقت و دوستی هم نباید داشته باشیم و حتی نسبت به او بی‌تفاوت هم نباید باشیم. چون بی‌اعتنایی و غفلت از این دشمن بی‌رحم و خطرناک، ما را بیچاره می‌کند. برای مبارزه با نفس، باید ابتدا نفس را طرف مقابل خود ببینیم و او را دشمن بدانیم، تا او را زمین بزنیم و الا او ما را به زمین خواهد زد.

باید احساس خودمان را نسبت به نفس خود تغییر دهیم و او را واقعاً

دشمن خود بدانیم؛ دشمنی که هر لحظه می‌خواهد به ما صدمه بزند و ما را ذلیل کند. نباید در خوش خیالی به سر ببریم و احساس امنیت کاذب ما را در دام دشمنی‌های پنهان او بیفکند.

امام کاظم (ع) به یکی از یاران خود می‌فرماید: با نفس خودت مجاهده کن تا او را از هوی باز بداری که این کار مانند جهاد با دشمن بر تو واجب است؛ جَاهِدْ نَفْسَكَ لِتَرُدَّهَا عَنْ هَوَاهَا فَإِنَّهُ وَاجِبٌ عَلَيْكَ كَجِهَادِ عَدُوِّكَ (تحف العقول / ص ۳۹۹)

ای کاش صدا و سیمای ما این راهبرد را می‌پذیرفت که جنگ منطقه و جنایات دشمن را یک مقدار بیشتر به مردم نشان می‌داد تا مردم بدانند دشمن یعنی چه؟ مثلاً یک مقدار به آن چند صد نفری که سر بریده شدند یا یکی یکی با گلوله کشته شدند، می‌پرداخت تا مردم ببینند و مفهوم «دشمن» را درک کنند.

ما دشمن‌شناسی و دشمن‌باوری خوبی نداریم و این‌گونه مفاهیم، کمی در ادبیات ما غریب هستند. ابلیس هم خیلی سعی می‌کند ما را خام کند و از دشمن غافل کند. الان که دشمن هست چرا نباید متوجه باشیم و چرا باید حضور او را نادیده بگیریم؟ هیچ آدم عاقلی به

دشمن خونی و تا دندان مسلح خود بی‌اعتنایی نمی‌کند. هیچ آدم با شعوری در کنار دشمن بی‌رحم خود احساس امنیت نمی‌کند .

آن فیلمی که نشان می‌دهد سر یک کشیش مسیحی را می‌برند باید یک بار نگاه کنیم و بارها به آن فکر کنیم. باید قیافه آن کسی که خیلی راحت دارد سر آن کشیش را جدا می‌کند ببینیم که چگونه این کار را انجام می‌دهد تا رذالت و خباثت دشمن را باور کنیم. اگر چنین دشمنی به دست شما بیفتد او را نمی‌زنید؟ امام صادق (ع) می‌فرماید: «نفس ما بدتر از آن دشمن است». باید این برای ما جا بیافتد که نفس ما دشمن ماست و باید همان‌طور که دشمن خود را می‌زنیم، نفس خودمان را هم بزنیم و آن را ذلیل کنیم.

روزی ظرف فالوده‌ای خدمت امیر المؤمنین (علیه السلام) آوردند و در برابر آن حضرت گذاشتند. امام (علیه السلام) به صافی و زیبایی آن نگریست و انگشت خود را به آن زد و آن را چشید، و فرمود: همانا حلال، پاک و نیکوست و این حرام نیست، **لَکِنْ أَکْرَهُ أَنْ أَعُوذَ نَفْسِي بِمَا لَمْ أَعُوذْهَا** اما من خوش ندارم نفس خود را به چیزی عادت دهم که تاکنون بدان عادت نداده‌ام. این ظرف را از جلوی من بردارید. پس آن را برداشتند. (۳)



خانواده فاطمی

درواقع حضرت امیر(ع) چون خیلی خوشمزه بود نخوردند، و توضیح دادند که اگر من اینجا به خواسته نفس خودم پاسخ مثبت بدهم این نفس پُررو می‌شود و جاهای دیگر شروع می‌کند به نق زدن و زیاده‌خواهی کردن، و بعد دیگر انسان از پس آن بر نمی‌آید .

باید از همان ابتدا به نفس خودمان جواب منفی بدهیم و الا این نفس، لوس و نُنر و پُررو می‌شود و بعد جاهای دیگر شروع می‌کند به نق زدن و دیگر از عهده آن برنخواهیم آمد؛ خواسته‌هایش هم تمامی ندارد و تا انسان را بدبخت نکند دست بردار نیست. پس آدم عاقل کسی است که از همان اول در مقابل خواسته‌های نفس خود بایستد، و آخر کار او را ببیند.

کانال فیش منبر در ایتا

اینکه می‌گویند: «گربه را دم حجله باید کشت» درباره نفس باید انجام شود. روی نفس را از همان اول باید کم کنیم و الا وقتی قدرت پیدا کند دیگر از پس آن بر نمی‌آییم. نفس پُررو، زود عصبانی می‌شود، دیر می‌بخشد، کینه‌ای می‌شود، زودرنج خواهد شد، دیر لذت می‌برد، زود شاکی می‌شود، و هزاران خصلت بد دیگر پیدا می‌کند که آدم را بیچاره خواهد کرد.

خیلی‌ها قبول ندارند که نفس آنها موجود بدی است و از آن احساس خطر نمی‌کنند و حتی با نفس خودشان رفیق هستند! در حالی که واقعاً باید این اتفاق برای ما بیفتد که نفس خودمان را دشمن خودمان بدانیم و این احساس و نگرش را داشته باشیم که گرایش‌های پست و نفسانی ما (که همان هوای نفس است) بسیار بد و خبیث هستند و اگر آن را دشمن خود ندانیم و با آن مبارزه نکنیم، به یک موجود لوس، نُر، بی‌منطق و خطرناک تبدیل خواهد شد.

حدیث قدسی رو گوش کنید ببیند به چه چیزهای تشبیه شده

هِيَ (النَّفْس) قَرِينَةُ الشَّيْطَانِ وَ مَثَلُ النَّفْسِ كَمَثَلِ النَّعَامَةِ تَأْكُلُ الْكَثِيرَ وَ إِذَا حُمِلَ عَلَيْهَا لَا تَطِيرُ وَ مَثَلُ الدُّفْلَى لَوْنُهُ حَسَنٌ وَ طَعْمُهُ مُرٌّ

نفس رفیقش شیطانست، مثل نفس مانند شتر مرغ است بسیار می‌خورد و هر گاه بر او بار می‌نهند پرواز نمی‌کند، مانند خرزهره است، رنگش خوب و مزه‌اش تلخ است (۴) (۵)

## مبارزه با هوای نفس در خانه

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء از بزرگ‌ترین فقیهان عالم تشیع بوده است، در حدّی که علمای بزرگ شیعه از قول او نقل کرده‌اند که فرموده



خانواده فاطمی

بود: اگر تمام کتاب‌های فقهی شیعه را در رودخانه بریزند و به دریا برود و شیعه دیگر یک ورق فقه دستش نباشد، من از اول تا آخر فقه شیعه را در سینه‌ام دارم، همه را بیرون می‌دهم تا دوباره بنویسند. مرجع هم شده بود.

اهل علم و اصحاب سرّش فهمیدند که همسرش در خانه بداخلاقی می‌کند، ولی خیلی هم خبر از داستان نداشتند. این قدر در مقام جست‌وجو برآمدند تا به این نتیجه رسیدند که این مرد بزرگ الهی، این فقیه عالی‌قدر گاهی که به داخل خانه می‌رود، همسرش حسابی او را کتک می‌زند.

کانال فیش منبر در ایتا

یک روز چهار پنج نفر جمع شدند و خدمتش آمدند گفتند: آقا ما داستانی شنیده‌ایم از خودتان باید پرسیم، آیا همسر شما گاهی شما را می‌زند؟!

فرمود : بله، عرب است، قدرتمند هم هست، قوی البنیه هم هست، گاهی که عصبانی می‌شود، حسابی مرا می‌زند. من هم زورم به او نمی‌رسد.

خانواده فاطمی

گفتند: او را طلاق بدهید. گفت: نمی‌دهم. گفتند: اجازه بدهید ما زن‌هایمان را بفرستیم، ادبش کنند. گفت: این کار را هم اجازه نمی‌دهم. گفتند: چرا؟ گفت: این زن در این خانه برای من از اعظم نعمت‌های خداست، چون وقتی بیرون می‌آیم و در صحن امیر المومنین می‌ایستم و تمام صحن، پشت سر من نماز می‌خوانند، مردم در برابر من تعظیم می‌کنند، گاهی در برابر این مقاماتی که خدا به من داده، یک ذره هوا مرا برمی‌دارد، همان وقت می‌آیم در خانه کتک می‌خورم، هوایم بیرون می‌رود. این چوب الهی است، این باید باشد. (۶)

## ماجرای اصمعی و زن جوان

خانومی از آیت اله بهجت (ره) سوالی می‌پرسد که در برابر بد اخلاقی همسرش چه کند؟

آقا در جواب داستان زیر را برایشان بازگو میکنند:

اصمعی [وزیر هارون] می‌گوید: در بیابانی خیمه‌ای دیدم، با خود گفتم به آنجا بروم. رفتم و دیدم زن جوان و با جمالی در درون خیمه است، تا چشم آن زن به من افتاد، گفت: بفرمایید. داخل شدم و گفتم: تشنه‌ام آبی بده، دیدم رنگش تغییر کرد. با من حرف نزد و به من آب نداد،

ولی دیدم نگاهش با دقت به بیرون خیمه است، تا اینکه شترسواری از دور آمد و رسید و آن زن آبی را که به من نداده بود، با خود برداشت و رفت و دست و پای پیرمرد سیاهی را که تازه از راه رسیده بود، شست و شو داد. آن مرد بسیار بداخلاق بود و به من هیچ اعتنا نکرد و با آن زن هم به تندی برخورد کرد. در هر حال، از جا بلند شدم، آن خانم مرا بدرقه کرد.

گفتم: ای خانم، حیف از تو نیست که با این جوانی و جمال، به آن مرد دل بسته‌ای، به چه چیز آن مرد علاقمندی؟ آیا به مالش، یا اخلاقش، یا جمال و زیبایی‌اش؟ او که پیرمرد بدترکیبی بیش نیست. رنگ چهره خانم پرید و گفت: اصمعی، گمان نمی‌کردم تو که وزیر هارون هستی، نامی و سخن‌چینی کنی؟! پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «الْإِيمَانُ نَصْفُهُ الصَّبْرُ، وَ نَصْفُهُ الشُّكْرُ؛ نیم ایمان صبر، و نیم دیگر آن سپاسگزاری است.» ۱ من باید خدا را به واسطه اینکه نعمت جوانی و جمال را به من داده و اخلاق خوب نصیبم نموده شکر کنم و آن به این است که با این شوهر بسازم و در برابر بداخلاقی او صبر کنم، دنیا می‌گذرد و من می‌خواهم با ایمان کامل از دنیا بروم. (۷)

چرا خانواده ما فاطمی نیست و یا از خانواده فاطمی فاصله داریم ؟

## ۶-عدم آگاهی به حقوق یکدیگر عدم انجام به وظایف زناشویی

از کلام رسول خدا (ص) که فرمود: «تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ» استفاده می‌شود که معیار مهم در ازدواج، اخلاق و دین زن و مرد است. زیرا آنچه حرف اصلی را می‌زند و پایه زندگی بر آن نهاده شده، نشاط و شادابی را برای زن و مرد به ارمغان می‌آورد و از بسیاری از مشکلات جلوگیری می‌کند، اخلاق و معنویت است و **إِلَّا تَشْرِيفَات** و تجملات و مهریه‌های بالا و مخارج سنگین و ظواهر دنیا، آرام بخش نیست. برای آنکه بیشتر با آیین همسر داری آشنا شویم باید وظایف همسران را نسبت به یکدیگر بدانیم. بعضی ها فکر می‌کنند خوشبختی و شیرین بودن زندگی به پوله

یه آمار غیر رسمی براتون بگم شاید باورتون نشه :

آمار باور نکردنی یکی از تالارهای معروف تهران!!-تالار فرمانیه

این آمار، همه حکایت از این دارد که ۶۸ درصد از کسانی که جشن ازدواج خود که را در این تالار برگزار کرده‌اند، گفته‌اند زندگی‌شان حتی دوام یکساله نداشته و در نهایت از یکدیگر جدا شده‌اند.

۶۸ درصد از ازدواج‌های صورت گرفته در یکی از تالارهای مشهور تهران (باشگاه فرمانیه)، منجر به طلاق شده است.

این آمار، همه حکایت از این دارد که ۶۸ درصد از کسانی که جشن ازدواج خود که را در این تالار برگزار کرده‌اند، گفته‌اند زندگی‌شان حتی دوام یکساله نداشته و در نهایت از یکدیگر جدا شده‌اند. بنابر این گزارش، طی یکسال گذشته بیش از ۳۵۰ مراسم ازدواج در تالار فوق انجام شده است، که هزینه‌های هر مراسم صدها میلیون تومان فراتر بوده است.

شایان ذکر است برخی از چهره‌های اقتصادی و حتی ورزشی کشور نیز جشن‌های عروسی خود را در این تالار برگزار کرده‌اند. در برخی از ازدواج‌های این تالار که در منطقه فرمانیه تهران قرار دارد میزان مهریه در نظر گرفته شده، سکه بهار آزادی به ارتفاع قله‌هایی همچون هیمالیا (۸۰۰۰ متر) و دماوند (۵۶۱۰) بوده است. این اطلاعات در حالی فاش می‌شود که مدیریت تالار مذکور قصد داشته



خانواده فاطمی

است از کسانی که طی یکسال اخیر در تالار فوق مراسم خود را برگزار کرده‌اند، دعوت به عمل آورده و طی یک جشن تحت عنوان یکسالگی زندگی، از آنان تقدیر به عمل آورد که متوجه می‌شود ۶۸ درصد از ازدواج‌های انجام شده در تالار منجر به طلاق شده است. (۸)

## وظایف مردان نسبت به زنان

برای اینکه وظایف مردان نسبت به زنان و بالعکس را بشناسیم در ابتدا باید بدانیم که احساسات مرد و زن نسبت به هم دارای دو گونه است، نه تنها علاقه خانوادگی زن و مرد به یکدیگر با علاقه به اشیاء فرق می‌کند، علاقه خود آن‌ها نیز متشابه نیست، یعنی نوع علاقه مرد به زن با نوع علاقه زن به مرد متفاوت است. با اینکه تجاذب طرفینی است اما به عکس اجسام بیجان، جسم کوچک‌تر جسم بزرگ‌تر را به سوی خود می‌کشد. آفرینش، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است، احساسات مرد نیاز آمیز و احساسات زن نازخیز است. احساسات مرد طالبانه و احساسات زن مطلوبانه است (۹)

در اینجا به طور اختصار به برخی از وظایفی که مردان نسبت به زنان از لحاظ حقوقی و اخلاقی دارند می‌پردازیم:

قرآن کریم مهر را ابداع و اختراع نکرد، کاری که قرآن کرد این بود مهر را به حالت فطری آن برگردانید. قرآن کریم با لطایف و ظرافت بی نظیری می گوید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ» (۱۰) یعنی «کابین زنان را که به خود آنان تعلق دارد و عطیه و پیشکشی است از جانب شما به آنها، به خودشان بدهید.» در این آیه از مهریه به عنوان صدق یاد کرده است و صدقه از ماده صدق است و بدان جهت به مهر صدق یا صدقه گفته می شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است (۱۱). همچنین مرد وظیفه دارد مخارج متعارف زن و فرزندان اعم از خوراک و پوشاک را بدهد گرچه همسرش شاغل و دارای ثروت باشد؛ «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (۱۲)

امام جعفر صادق (ع) فرمود: «أَقْذَرُ الذُّنُوبِ الثَّلَاثَةُ: قَتْلٌ، وَ حَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ وَ مَنَعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ» (۱۳) بدترین گناهان سه چیز است: آدمکشی، ندادن مهریه زنان و ندادن حقوق کارگر و کسی که برای انسان کار می کند .

قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (۱۴)؛ «شما مردان با همسرانتان به طور شایسته معاشرت کنید.» رسول اکرم (ص)



فرمود: برادر من جبرئیل در باره حقوق زنان به من خبر داد آنقدر در باره زنان سفارش کرد که من گمان کردم که جایز نیست برای مرد که به همسرش حتّی اُف و سخنی لطیف‌تر از گل بگوید، بعد گفت: ای محمد، در مورد زنان از خداوند بزرگ بترسید، زنان گرفتار در دست شمايند و آن‌ها امانت‌های الهی هستند که شما آنان را به همسری گرفته‌اید و به سبب سخن و کتاب خداوند و سنّت و شریعت پیامبر، به شما حلال شده‌اند، حقوق واجبى بر عهده شما دارند، بنابراین با آن‌ها با مهربانى رفتار کنید و دل‌هایشان را خوشحال کنید تا آن‌ها هم با شما خوب زندگى کنند، در زندگى به آن‌ها سخن زور نگوئید و اذیت و غضبناکشان نکنید (۱۵) .

۳-تلاش برای خانواده:

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا» (۱۶)؛ «کسی که از دسترنج خود روزی بخورد، خداوند با دیده رحمت به او می‌نگرد و او را عذاب نمی‌کند».

۴-نیکی به همسر و فرزندان باعث طول عمر

امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِهِ، زَادَ اللَّهُ فِي عُمَرِهِ» (۱۷) «کسی که از نظر اخلاقی با خانواده‌اش خوش برخورد باشد، خداوند بر عمر او می‌افزاید».

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (۱۸)؛ «ای کسانی که ایمان آوردید، خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخی که هیزم و آتش آن مردم و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید که مأموران آتش، فرشتگان بسیار خشن و سختگیر می‌باشند که هرگز نافرمانی خدا نمی‌کنند و آنچه به آن‌ها گفته می‌شود فوری انجام می‌دهند.»

## وظایف زنان نسبت به مردان:

### ۱- تکریم همسر:

یکی از جلوه‌های همسرداری، حفظ کرامت و شخصیت شوهر در خانه و جامعه است؛ چرا که اولاً انسان تاج کرامت الهی برسر دارد و خداوند در باره همه انسان‌ها فرموده است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (۱۹)؛ «و ما آدمی زادگان را کرامت بخشیدیم»، ثانیاً احترام به همسر، احترام به خود و خانواده و زندگی مشترک است و هر چه همسران، بیشتر به یکدیگر احترام بگذارند، از سوی فرزندان و دیگران، بهتر مورد تکریم قرار می‌گیرند. امام صادق (ع) فرمود: «هر زنی که یک بار به شوهرش آب دهد، از عبادت یک سال که روزش را روزه بدارد و

شبش را نماز بخواند، بهتر خواهد بود و خداوند در ازای هر جرعه آب، شهری در بهشت برایش می‌سازد و شصت جرمش را می‌بخشد (۲۰)

## ۲- قناعت و قانع بودن:

قناعت به درآمد حلال و پرهیز از چشم و هم چشمی، فضیلتی ارزشمند است و آرامش و شیرینی زندگی را دوچندان می‌کند. امام علی (ع) فرمود: «اطیبُ العیشِ القناعه» (۲۱) بهترین زندگی، زندگی با قناعت است و در جای دیگر می‌فرماید: «إِذَا ارَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْقَنَاعَةَ وَ أَصْلَحَ لَهُ زَوْجَهُ» (۲۲) (هرگاه خدا خوبی بنده‌ای را بخواهد، قناعت را به او الهام می‌کند و همسرش را شایسته سازد.)

## ۳- پذیرش مدیریت مرد:

هر اجتماعی، باید رئیس و بزرگی داشته باشد و قرآن ریاست خانواده را حق مرد دانسته است «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (۲۳) «مردان سرپرست زنانند...» این موقعیت به خاطر وجود خصایصی در مرد است مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات. بدین ترتیب گرداننده اصلی خانواده مرد است که خط مشی و اهداف زندگی را با توافق همسرش تنظیم می‌کند و مدیریت داخل خانه را به زن واگذار

می‌کند، همانگونه که در حدیثی از رسول اکرم (ص) آمده است «الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَكُلُّ رَاعٍ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (۲۴) «مرد سرپرست خانواده خویش است و هر سرپرستی مسئول زیردستان خود است.»

#### ۴- آرامش خانواده:

زن با سرمایه منحصر به فرد عاطفه و احساسات مادری، می‌تواند خانه را سرشار از محبت و عشق و عاطفه کند و نشاط و آرامش و احساس امنیت روحی اعضای آن را فراهم کند، قرآن کریم این نقش ارزنده را چنین بیان می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۲۵)

حضرت علی (ع) در باره این ویژگی حضرت فاطمه (س) می‌فرماید: «لَقَدْ كُنْتُ أَنْظَرُ إِلَىهَا فَتَكْشِفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ» (۲۶) «هرگاه به او نگاه می‌کردم غم‌ها و غصه‌هایم را می‌زدود.»

#### ۵- امانتداری:

حفظ امانت و تحویل آن به صاحبش از اصول اخلاقی انسانی و یکی از سرفصل‌های دعوت پیامبران است، امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ» (۲۷) «خداوند هیچ

پیامبری را برنینگیخت جز آنکه او را به راستگویی و امانتداری سفارش کرده». و رسول خدا (ص) فرمود: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ» (۲۸) «کسی که امانت دار نیست، مؤمن نیست». ادای امانت لازم و ضروری است و بدین ترتیب بانوی مسلمان، وظیفه انسانی و ایمانی خود می‌داند که از همه امانت‌های همسرش به نحو شایسته مراقبت کند و آن‌ها را سالم به او باز گرداند؛ بهترین راهکار حفظ این امانت، همان حجاب اسلامی و رعایت حدود ارتباط با نامحرمان است که بر بانوان لازم و ضروری شمرده شده و حضرت فاطمه (س) آن را بالاترین ارزش دانسته است. (۲۹) (۳۰)

گریز به روضه:

اما خود حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها امانت الهی بود چه کردند با دختر رسول خدا، آجرک الله یا امیرالمومنین

یا امیرالمومنین یا مولا یا غریب چه بر سر امانت پیامبر آمد؟؟

امام علی(ع) در بخشی از نامه ای که به عثمان بن حنیف، حاکم بصره نوشت، فرمود:

وَاللّٰهُ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَّا وَلَّيْتُ عَنْهَا

♦ به خدا سوگند!



اگر تمام عرب به قصد قتال، رو در روی من قرار گیرند، به آنها پشت و از مقابلشان فرار نمی کنم (۳۱).

اما همین علی(ع) وقتی که حضرت زهرا(س) در حالت احتضار قرار گرفت، مولا علی(ع) در این هنگام، در مسجد حضور داشت.

و بلافاصله اسماء بنت عمیس حسنین(ع) را به دنبال پدرشان فرستاد. حضرت(ع) تا حالت مضطربانه حسنین(ع) را در مسجد دید، سراسیمه فرمود:

چه اتفاقی افتاده است؟

آن دو عرض کردند: «قَدْ مَاتَتْ أُمُّنَا فَاطِمَةُ(س)»

مادرمان از دنیا رفت. در این هنگام؛

﴿فَوَقَعَ عَلِيٌّ عَلَى وَجْهِهِ﴾

♦ علی(ع) با صورت به زمین افتاد (۳۲).

و هنگام دفن حضرت فاطمه زهرا(س) مولا علی(ع) مشتی از خاکِ قبر ایشان را برداشت، که در منابع حالات حضرت(ع) اینگونه وصف کرده اند که؛



♦ حزن و اندوه عجیبی سرتاسر وجود امام(ع) را فرا گرفت (۳۳).

ای تمام تار و پود مرتضی،

ای همه بود و نبود مرتضی،

ای تمام عشق، ای خونین جگر،

یا بمان، یا که مرا با خود ببر،

رفتنت خانه خرابم می‌کند،

ماندنت چون شمع آبم می‌کند،

ای مسیحای علی(ع) اعجاز کن،

مشکلِ مشکل گشا را باز کن!

شاعر: رحیمی

دانلود جلسه بعدی

کانال فیش منبر و مرثیه درایتا



<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

۱- زندگانی حضرت زهرا علیها السلام ( ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص:

۵۶۱ جامع الاحادیث نور : ۳۰۲ / ۶- کتاب الروضة الفضائل فضائل ابن شاذان عن ابن عباس  
 يَرْفَعُهُ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنْتُ وَأَقْفًا بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ أَكُوبُ الْمَاءَ عَلَى  
 يَدَيْهِ إِذَا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ وَهِيَ تَبْكِي فَوْضَعَ النَّبِيُّ ص يَدَهُ عَلَى رَأْسِهَا وَقَالَ مَا يَبْكِيكِ لَا أَبْكِي اللَّهَ  
 عَيْنِيكَ يَا حُورِيَّةُ قَالَتْ مَرَرْتُ عَلَى مَلَأٍ مِنْ نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَهُنَّ مُخَضَّبَاتٌ فَلَمَّا نَظَرُنَّ إِلَيَّ وَقَعُوا  
 فِيَّ وَفِي ابْنِ عَمِّي فَقَالَ لَهَا وَ مَا سَمِعْتِي مِنْهُنَّ قَالَتْ قُلْنَ كَانَ قَدْ عَزَّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَنْ يُزَوِّجَ ابْنَتَهُ  
 مِنْ رَجُلٍ فَقِيرٍ قُرَيْشٍ وَأَقْلَهُمْ مَالًا فَقَالَ لَهَا وَاللَّهِ يَا بَنِيَّةُ مَا زَوَّجْتُكَ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ مِنْ عَلِيٍّ  
 فَكَانَ بَدْوُهُ مِنْهُ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ خَطَبَكَ قُلَانٌ وَ قُلَانٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ جَعَلْتُ أُمْرَكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ  
 أُمْسَكْتُ عَنِ النَّاسِ قَبِيْنًا صَلَّيْتُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صَلَاةَ الْفَجْرِ إِذْ سَمِعْتُ حَفِيفَ الْمَلَائِكَةِ وَ إِذَا بِحَبِيبِي  
 جَبْرِئِيلَ وَ مَعَهُ سَبْعُونَ صَفًّا مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُتَوَّجِينَ مُقَرَّطِينَ مُدْمَلَجِينَ فَقُلْتُ مَا هَذِهِ الْقَفْعَةُ مِنَ  
 السَّمَاءِ يَا أَخِي جَبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا مِنَ  
 الرِّجَالِ عَلِيًّا ع وَ مِنَ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ ع فَزَوَّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَرَفَعَتْ رَأْسَهَا وَ تَبَسَّمتْ بَعْدَ بَكَائِهَا وَ  
 قَالَتْ رَضِيتُ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَقَالَ ص أَلَا أُرِيدُكَ يَا فَاطِمَةُ فِي عَلِيٍّ رَغْبَةً قَالَتْ بَلَى قَالَ لَا  
 يَرُدُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رُكْبَانٌ أَكْرَمَ مِنَّا أَرْبَعَةُ أَخِي صَالِحٍ عَلَى نَاقَتِهِ وَ عَمِّي حَمْزَةُ عَلَى نَاقَتِي  
 الْعُضْبَاءِ وَ أَنَا عَلَى الْبَرَاقِ وَ بَعْلُكَ عَلَى بَنٍ أَبِي طَالِبٍ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نَوَقِ الْجَنَّةِ فَقَالَتْ صَفِّ لِي  
 النَّاقَةَ مِنْ أَى شَيْءٍ خُلِقَتْ قَالَ نَاقَةُ خُلِقَتْ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُدْبِجَةِ الْجَنِّيْنِ صَفْرَاءَ حَمْرَاءَ  
 الرَّأْسِ سَوْدَاءَ الْحَدَقِ قَوَائِمُهَا مِنَ الذَّهَبِ خَطَامُهَا مِنَ اللُّؤْلُؤِ الرُّطْبِ عَيْنَاهَا مِنَ الْيَاقُوتِ وَ بَطْنُهَا  
 مِنَ الزَّبَرَجَدِ الْأَخْضَرِ عَلَيْهَا قُبَّةٌ مِنْ لُؤْلُؤَةٍ بَيضاءَ يَرَى بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا  
 خُلِقَتْ مِنْ عَفْوِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تِلْكَ النَّاقَةُ مِنْ نَوَقِ اللَّهِ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ رُكْنًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الرُّكْنِ  
 سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْبَحُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَنْوَاعِ التَّسْبِيحِ لَا يَمُرُّ عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا  
 مِنْ هَذَا الْعَبْدِ مَا أَكْرَمَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أ تَرَاهُ نَبِيًّا مُرْسَلًا أَوْ مَلَكًا مُقَرَّبًا أَوْ حَامِلَ عَرْشٍ أَوْ  
 حَامِلَ كُرْسِيِّ قِيَادِي مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَيُّهَا النَّاسُ لَيْسَ هَذَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ  
 هَذَا عَلَى بَنٍ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ فَيَبْدُرُونَ رَجُلًا رَجُلًا فَيَقُولُونَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ  
 رَاجِعُونَ حَدَّثُونَا فَلَمْ نُصَدِّقْ وَ نَصَحُونَا فَلَمْ نَقْبَلْ وَ الَّذِينَ يُحِبُّونَهُ تَعَلَّقُوا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى كَذَلِكَ

يَنْجُونَ فِي الْآخِرَةِ يَا فَاطِمَةُ أَلَا أُرِيدُكَ فِي عَلِيٍّ رَغْبَةً قَالَتْ زِدْنِي يَا أَبَتَاهُ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ عَلِيًّا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَارُونَ لَأَنَّ هَارُونَ أَغْضَبَ مُوسَى وَ عَلِيٌّ لَمْ يُغْضِبْنِي قَطُّ وَالَّذِي بَعَثَ أَبَاكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا غَضِبْتُ عَلَيْهِ يَوْمًا قَطُّ وَ مَا نَظَرْتُ فِي وَجْهِ عَلِيٍّ إِلَّا ذَهَبَ الْغَضَبُ عَنِّي يَا فَاطِمَةُ أَلَا أُرِيدُكَ فِي عَلِيٍّ رَغْبَةً قَالَتْ زِدْنِي يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ هَبْطَ عَلِيٍّ جَبْرَيْلُ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ اقْرَأْ عَلِيًّا مِنَ السَّلَامِ السَّلَامُ فَقَامَتْ وَ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِكَ يَا أَبَتَاهُ نَبِيًّا وَ بِابْنِ عَمِّي بَعْلًا وَ وَلِيًّا

۲- جامع الاحاديث نور / تفسير فرات الكوفي، ص: ۱۷۲

۳- وَضَعَ خَوَانٌ مِنْ فَاوُذَجَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَوَجَأَ بِاصْبِعِهِ حَتَّى بَلَغَ أَسْفَلَهُ ثُمَّ سَلَّهَا وَ لَمْ يَأْخُذْ مِنْهُ شَيْئًا وَ تَلَمَّظَ بِاصْبِعِهِ وَ قَالَ طَيِّبٌ طَيِّبٌ وَ مَا هُوَ بِحَرَامٍ وَ لَكِنْ أَكْرَهُ أَنْ أَعُوذَ نَفْسِي بِمَا لَمْ أَعُوذْهَا

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص: ۲۹۹

۴- نرم افزار احاديث نور بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۴، ص: ۲۳

۵- استاد پناهیان

۶- کتاب نفس؛ شيخ حسين انصاريان، ص ۳۲۸

۷- در محضر بهجت، ج ۱، ص ۲۹۹ به این مضمون: بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳؛ تحف العقول، ص ۴۸.

۸- <https://www.fardanews.com>

۹- نظام حقوق زن در اسلام

۱۰- نساء/ ۴

۱۱- نظام حقوق زن در اسلام

۱۲- بقره/ ۲۳۳

۱۳-بحارالانوار/ج ۱۰۳/ص ۳۵۰

۱۴-نساء/۱۹

۱۵-بحارالانوار/ج ۱۰۳/ص ۳۵۱

۱۶-مستدرک الوسائل/ج ۱۳/ص ۲۴

۱۷-کافی/ج ۸/ص ۲۱۹-خصال شیخ صدوق/ص ۸۸

۱۸-تحریم/۶

۱۹-اسراء/۷۰

۲۰-وسائل الشیعه/ج ۲/ص ۱۷۲

۲۱-شرح غررالحکم/ج ۲/ص ۳۸۳

۲۲-همان/ص ۱۶۷

۲۳-نساء/۳۴

۲۴-مستدرک الوسائل/ج ۱۴/ص ۲۴۸

۲۵-روم/۲۱

۲۶-بحارالانوار/ج ۴۳/ص ۱۳۴

۲۷-اصول کافی/ج ۲/ص ۱۰۴

۲۸-بحار الانوار/ج ۶۹/ص ۱۹۸

۲۹-همان/ج ۴۳/ص ۵۴

۳۰- روزنامه حرف مازندران

۳۱-امالی شیخ صدوق، ص ۵۱۴، مجلس ۷۷

۳۲-کشف الغمّه اربلی، ج ۱، ص ۵۰۱

۳۳-أمالی شیخ طوسی، ص ۱۰۹، مجلس ۴